

The Nature of Ritual Poetry

Eshagh Toghiani*

Saeideh Sarvishi**

Abstract

Ritual poetry, as one of the oldest literary types in terms of capacity and content variety, has been manifested in literature more than other types because it shows national and sometimes transnational and religious beliefs more than any other type of literature. The poems of Iranian poets, from ancient times to the present day, have well shown the course of changes in this literary genre. In this research, the background of ritual poetry is examined to determine its semantic evolution. Then, by providing a comprehensive definition of ritual poetry and specifying its place within the Persian language, its components are analyzed and examined. The data collection method in this research is library-based and analytical. In this research, ritual poetry in the past and contemporary era has been compared, and due to the fact that this type of poetry has now a wider range of meaning, ritual poetry after the revolution is considered as the basis of the analysis of contemporary ritual poetry. Ritual poetry is divided into monotheistic, transcendental, emancipation, religious, and resistance poetry.

Keywords: Ritual Poetry, Monotheistic Poetry, Religious Poetry, Resistance Literature

*Professor of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author) etoghiani@yahoo.com

**MA Student of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran. darvishisaiedeh@yahoo.com

How to cite article:

Toghiani, E., & Sarvishi, S. (2024). *The Nature of Ritual Poetry*. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 2(2), 209-229.
doi: 10.22077/JCRL.2023.6379.1050



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



درنگی در چیستی شعر آیینی

اسحاق طغیانی*

سعیده درویشی بهلولی**

چکیده

شعر آیینی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین انواع ادبی، از نظر ظرفیت و تنوع محتوایی، بیش از سایر انواع، در عرصه ادبیات ظاهر شده است. چراکه بیش از هر نوع ادبی دیگری، باورها، افکار، احساسات ملی و گاه فراملی و دینی را پیش روی مخاطب می‌گذارد. اشعار شاعران ایرانی از روزگاران کهن تا به امروز، به‌خوبی سیر تغییرات این نوع ادبی را نشان داده است. در این پژوهش با بررسی پیشینه شعر آیینی، مسیر تحول معنایی آن را بررسی می‌کنیم. سپس با ارائه تعریفی جامع از شعر آیینی و مشخص نمودن جایگاه آن در زبان فارسی، به تحلیل و بررسی مؤلفه‌های آن خواهیم پرداخت. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و شیوه آن به‌صورت تحلیلی است. در این پژوهش، شعر آیینی در گذشته و معاصر مورد مقایسه قرار گرفته است و با توجه به اینکه ادبیات آیینی، امروزه دایره معنایی وسیع‌تری دارد، شعر آیینی پس از انقلاب مبنای تحلیل شعر آیینی معاصر قرار گرفته است. شعر آیینی به شعر توحیدی، ماورایی، رهایی، ولایی و شعر پایداری تقسیم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شعر آیینی، شعر توحیدی، شعر نبوی، شعر ولایی، ادبیات پایداری.

مقدمه

ادبیات فارسی همچون درخت تنومندی است که ریشه در باورها، افکار و اعتقادات آدمی دارد که یکی از شاخه‌های گسترده و پر بار آن، ادب و شعر آیینی است. ادبیات آیینی به‌ویژه نوع منظوم آن، به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم و گسترده ادبیات، ابعاد تفاوت انسانی را به نمایش می‌گذارد. بی‌گمان هرگاه ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی هر ملتی تغییر یابد، ادبیات آن ملت نیز همسو با جریان‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی هر ملتی تغییر است. در تاریخ هزاران ساله ادبیات فارسی، ادب و شعر آیینی حضوری دائمی دارد، اما در جریان حوادث گوناگون، این حضور متفاوت است. شعر آیینی از دیرباز تاکنون در قالب‌های سنتی به راه خویش ادامه می‌دهد. قالب‌هایی چون قصیده، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند و گاه غزل بیشترین سهم را در شعر آیینی دارند، اما در دوره معاصر تقریباً در همه قالب‌های شعری، شاعران این‌گونه موضوعات را گسترش داده‌اند و همین عامل، سبب تنوع در نوشتن آثار و محتوای آنان است. حوزه این نوع از ادبیات بیش از گونه‌های دیگر بالیده و رشد کرده است؛ چراکه در بسیاری از مواقع، تفکیک مؤلفه‌ها از یکدیگر دشوار است. در این مقاله برآنیم تا به موارد زیر دست یابیم:

۱- بررسی و تحلیل جایگاه شعر آیینی

۲- ارائه تعریف منطقی از شعر آیینی و مشخص نمودن ساحت و قلمرو شعر آیینی

۳- بررسی اقسام شعر آیینی

شرح مسئله

ادبیات به‌عنوان عنصری جدایی‌ناپذیر از میراث یک ملت، با قدرت خود می‌تواند افکار افراد آن سرزمین را تغییر دهد. ادبیات هر ملت تحت تأثیر رویدادهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی آن ملت است. در ایران، دو رویداد مهم، یعنی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی هشت‌ساله و ابعاد آن، موجب تغییر مسیر فکری و ادبی کشور شد و سبب به وجود آمدن جریان ادبی و به‌نوعی، مکتبی خاص به نام «ادبیات انقلاب» شد. از رهاوردهای مهم انقلاب، مطرح شدن طیف‌های جدیدی از ادبیات آیینی است؛ چراکه با پررنگ شدن نقش آن، موضوعاتی متنوع و گوناگون در اشعار و متون نویسندگان بیان شد که پنجره‌ای تازه به روی چشمان بشریت کمال‌طلب و آزاده گشود. شعر آیینی نیز همپای شاخه‌های دیگر شعر فارسی به رشدی چشمگیر رسیده است. شاعر آیینی معاصر، دغدغه‌های فکری خود را همراه با آنچه آیین و تاریخ برای وی به ارمغان آورده است، همراه می‌سازد. ادبیات آیینی با باورهای مذهبی افراد هر اجتماع، پیوند ناگسستنی دارد و با عشق و اعتقاد گره خورده است. اگرچه بیشتر اشعار آیینی در مورد عاشورا و غدیر و ولایت سروده شده و در بیشتر پژوهش‌ها، شعر آیینی با شعر مناسبتی و مرثیاتی یکسان است و جز آن در هیچ دایره‌ای جای نمی‌گیرد، اما در واقع با شاخه‌های گسترده خود

می‌تواند در طبقه‌بندی‌های مختلف جای داشته باشد.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات متعددی در زمینه تحلیل آثار شاعران آیینی انجام گرفته است، اما به‌طور خاص به ماهیت شعر و ادب آیینی توجه شایانی نشده است.

محمدعلی مجاهدی (۱۳۸۶) در کتاب سیری در قلمرو شعر نبوی پس از تأکید بر آسیب‌شناسی شعر آیینی، ابتدا به ارائه کلیاتی درباره شعر آیینی می‌پردازد و سپس جایگاه شعر نبوی را در قلمرو شعر آیینی تبیین می‌نماید؛ او در مقاله‌ای به نام «کیان شعر آیینی در زبان فارسی» نیز به تحلیل پیشینه شعر آیینی پرداخته است.

علیرضا حبیبی (۱۴۰۰) در پژوهشی، چهار دهه شعر آیینی را از نظر جامعه‌شناختی بررسی کرده است.

مسعود پاکدل (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به مهم‌ترین مؤلفه‌های محتوایی اشعار آیینی پس از انقلاب اسلامی» ویژگی‌های حماسی اشعار آیینی عاشورایی پس از انقلاب را تحلیل کرده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تحلیل ادب و شعر آیینی و مشخص نمودن جایگاه آن در میان انواع زبان فارسی از ضرورت‌های مهم محسوب می‌شود. بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران، آثار و اشعار آیینی را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما به دست آوردن تعریف دقیق و مشخص نمودن حدود و ثغور این حوزه و اختصاص پژوهشی ویژه به آن، تاکنون به‌صورت جدی صورت نگرفته است. به همین دلیل در این مقاله کوشش شده است تا به این سؤال که «شعر آیینی چیست» پاسخ داده شود.

مبانی نظری تحقیق

تعریف آیین و شعر آیینی

واژه آیین در سطح جامعه‌شناختی، این‌گونه معنا شده است: «مراد از آیین در نگاه عالمانه و ناقدانه، جنبه‌هایی از اعمال و رفتارهای فردی و گروهی منطبق بر آداب و رسوم دینی و غیردینی است که سنت‌های رسمی جامعه را دربرمی‌گیرد» (حبیبی و حسن‌زاده، ۱۴۰۰: ۲). با توجه به این تعریف و پیشینه تاریخی و کهن ایران، مراد از آیین در معنای کلی آن، همان مناسک و رسوم ملی است؛ به‌طوری‌که «نقش مناسک و آیین‌ها در باورهای ملی و معنوی و کارکرد آن در جامعه ایران با وجود نقش پررنگ مذهب و مراسم متنوع مذهبی و ملی، امری آشکار است که در دوره‌های تاریخی در شکل‌گیری باورهای مردم خودنمایی کرده است» (فکوهی، ۱۳۸۹: ۳۲).

میر جلال‌الدین کزازی در مورد آیین در ادبیات فارسی چنین گفته است: اگر ما از نگاهی فراخ و فراگیر به سرگذشت ادب پارسی به‌ویژه ادب در پیوسته یا شعر بنگریم، می‌توانیم گفت که همه روندها و دبستان‌های ادبی ایران از کهن‌ترین روزگاران تا امروز سرشتی آیینی داشته‌اند (کزازی، ۱۳۶۱: ۲۳)؛ بنابراین می‌توان گفت شعر آیینی، شعری است منعطف که باید در بردارنده سنن، باورها و افکار افراد یک جامعه باشد و بتواند حدود و مرزهای آرمانی و معنوی یک جامعه را توصیف کند.

جایگاه شعر آیینی در ادب فارسی

درباره رد پای حضور شعر آیینی در زبان و ادبیات پارسی باید بگوییم که بسیاری از انواع ادبی، هم‌زمان با پیدایش شعر و ادب فارسی در ایران بوده و رشد کرده‌اند. شعر آیینی از همان آغاز پیدایش شعر فارسی، در سرشت آن حضور داشته است، اما بسته به دوره‌های مختلف اجتماعی-سیاسی این درجه از حضور، گاه کم‌رنگ می‌شود و گاه نقشی اساسی در تغییر و پیشرفت ادبیات ایرانی دارد.

محمدکاظم کاظمی، در مورد قدمت شعر آیینی این‌گونه می‌گوید:

شعر آیینی از همان ابتدا در کاروان شعر فارسی حضور داشته است، اما شاید حدود ده قرن یا بیشتر جرئت یا جسارت تنوع و تحول را نداشته است. بعد از انقلاب تحت تأثیر گفتمان تشیع، رفته‌رفته به یک ایدئولوژی مسلط در شعر معاصر تبدیل شد و به‌ویژه در دو سه دهه اخیر با توجه به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی از یک‌سو و از سویی فعالیت‌های مداوم انجمن‌های شعر در دهه‌های پیشین شکل‌های بیرونی و درونی، صوری و محتوایی گسترده‌تری منحصر به فردی پیدا کرده است و به یکی از شاخه‌های قدرتمند و جان‌بخش شعر امروز تبدیل شده است (۱۳۸۸: ۵۴).

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، مذهب به‌عنوان یکی از عوامل مهم در جهت‌دهی و آگاه‌سازی مردم در شعر آیینی مطرح شد، بدین‌گونه که: «در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فصل جدیدی در سرودن اشعار آیینی به‌وجود آمده است. این تحول تاریخی ریشه در باورهای اعتقادی دارد که بستر مناسبی برای طرح دیدگاه‌های مذهبی به شیوه‌های زبانی خاص در شعر فارسی فراهم کرده‌اند» (مرادی، ۱۳۹۱: ۱۵۸). آوردن مضامین جدید در شعر شاعران، از ویژگی‌هایی است که پس از انقلاب و در جریان جنگ تحمیلی در بیشتر اشعار شاعران مشاهده می‌شود. به‌طوری‌که:

پس از انقلاب اسلامی، تحولاتی در قلمرو شعر آیینی ایجاد شد که مهم‌ترین آن‌ها تعمیق آگاهی و تغییر محتوایی بود که این امر به‌وسیله شاعرانی چون: قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، علی معلم، موسوی گرمارودی، سید حسن حسینی و علیرضا قزوه انجام شد (زیلابی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۵).

شعر آیینی معاصر علاوه بر اینکه مضامینی همچون اخلاق، اجتماع و وطن‌پرستی را در

بردارد، شامل مفاهیمی چون دین و مذهب نیز می‌شود؛ به طوری که بسیاری بر این عقیده‌اند که شعر آیینی با شعر دینی و مذهبی برابر است (حبیبی و حسن‌زاده، ۱۴۰۰: ۵). در این باره باید گفت که حتی بسیاری از آثار مکتوب و شفاهی پیش از اسلام نیز پیشینه دینی دارند؛ به طوری که احمد تفضلی (۱۳۷۸: ۱۱۱) در کتاب *تاریخ ادبیات پیش از اسلام* می‌گوید: «آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر آثار دینی زردشتی است. حتی رساله کوچکی که معمولاً آن‌ها را از زمره آثار غیردینی به شمار می‌آورند؛ مانند ریدک و یادگار زیران و رساله شطرنج نیز صبغه دینی دارند».

محمدپور شعر آیینی معاصر را از نظر ساختار و محتوا، این گونه تعریف کرده است:

شعر آیینی، شعر فرد مسلمان است و شعر عقیده‌مند به آئین مسلمانی. این گونه شعر، به لحاظ ساختار، فرم، تکنیک و آنچه مربوط به قاعده سرایش است، هیچ تضادی با سایر انواع شعر ندارد و وجه تمایز آن فقط موضوعاتی است که سروده می‌شوند (۱۳۸۷: ۴۲).

«ادبیات دینی دارای ویژگی‌هایی چون: تعهد و مسئولیت، پایداری و ادب مقاومت، دوری از ابتذال و بحران هویت، مبارزه با رفاه‌طلبی و توجه به انسان و انسانیت می‌باشد» (به‌داریوند، ۱۳۸۰: ۹). صبغه شعر دینی را نیز باید از ورود اسلام به ملل مختلف از جمله ایران دانست. «سرودن شعرهای دینی در قرن هفتم و هشتم میان شاعران مسلمان و غیرمسلمان هر دو متداول بوده است. در بین مسلمانان این موضوع بیشتر به ذکر منقبت‌های اهل بیت و یا مرثیه‌های آنان مقصور است» (صفا، ۱۳۸۱: ۸۴) مرتضی سنگری (۱۳۹۵: ۱۴) برای سهولت و هم‌صدایی با سایر ادیبان هم‌نظر در این زمینه، با تسامح، شعر آیینی را شعر دینی می‌داند.

سنگری معتقد است «شعر آیینی به سروده‌هایی اطلاق می‌شود که در آیین‌ها و محافل دینی مانند ولادت‌ها، شهادت‌ها، و فیات و روزها و مناسبت‌های برجسته مذهبی مانند غدیر، بعثت، عرفه و در توصیفی دقیق‌تر در مجالس سور و سوگ مذهبی به کار می‌رود» (همان: ۱۶).

ادبیات آیینی پس از انقلاب اسلامی، پیشرفت و درخشش بیشتری داشته است و می‌توان ارتباط بیشتری میان وقایع و آثار ادبی پیدا کرد؛ زیرا تا پیش از انقلاب، سخن گفتن از موضوعاتی مانند: «غدیر»، «عاشورا»، «مقاومت»، «حماسه» و «شهادت» کمتر به میان می‌آمد و بیشتر در بستر واژگان و کتاب‌ها باقی مانده بود؛ اما با ایجاد تحول در جامعه، بستری فراهم گردید تا این موضوعات، به‌عنوان عامل تحرک و جنبش در ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران و سایر جوامع اسلامی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و در نتیجه آثار ادبی و اشعار گران‌بهایی در این زمینه‌ها به وجود آید.

در مجموع و با مطالعه منابع مختلف، می‌توان شعر آیینی را به شاخه‌های زیر تقسیم کرد:

اقسام شعر آیینی در ادب فارسی

اشعار توحیدی

توحید به معنی اعتقاد به یگانگی خداوند و ایمان آوردن به یکتایی وی است. هر اثری که در بردارنده این گونه مفاهیم باشد و بر آن تأکید داشته باشد، اثری توحیدی است که شامل مقوله‌های مرتبط با پرستش و ستایش و نیایش ذات ربوبی - جلت عظمت - است و به آفریننده عوالم هستی اختصاص دارد. مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری و مقدمه گلستان شیخ اجل، سعدی، از بهترین نمونه‌های شعر توحیدی در ستایش و نیایش ذات کبریایی‌اند.

پادشاهی و گدایی بر ما یکسان است
که بر این در همه را پشت عبادت خم از اوست
سعدیا گر بکند سیل فنا خانه عمر
دل قوی‌دار که بنیاد بقا محکم از اوست
(سعدی، ۱۳۴۲: ۴۴)

سنایی، شاعر قرن ششم که در زمینه عرفان اشعار ناب و بی‌نظیری سرده است، ابیات زیبایی در این باره دارد که سال‌هاست در دیباچه کتب درسی جای گرفته است و جلابخش روح عاشقان عرفان است

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم
تو زن و جفت نداری، تو خور و خفت نداری
نه نیازت به ولادت نه به فرزندت حاجت
تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
احد لیس کمثله صمد لیس له ضد
نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
احد بی زن و جفتی، ملک کامروایی
تو جلیل الجبروتی تو نصیرالامرای
تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی
لمن الملک تو گویی که مر آن را تو سزایی
(سنایی، ۱۳۸۱: ۴۸۰)

از نگاهی دیگر می‌توان شعر توحیدی را شعر ماورایی نیز دانست؛ چراکه موضوع این نوع اشعار با اشعار توحیدی یکسان می‌نماید. مجاهدی (۱۳۸۶: ۳۰) شعر ماورایی را این‌گونه معرفی می‌کند: «مقوله‌هایی که فطرتی ملکوتی و بافتی قدسی و ماورایی دارند و طبعاً فراخاکی و افلاکی‌اند» که یکی از بهترین نمونه‌های آن در مناجات حکیم نظامی گنجوی مشاهده می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
فَاتِحَةَ فِكْرَتِ وَ خْتَمِ سَخْنِ
پیش وجود همه آیندگان
سابقه‌سالار جهان قدم
هست کلید در گنج حکیم
نام خدای ست بر او ختم کن
بیش بقای همه پایندگان
مرسله پیوند گلوی قلم
(نظامی، ۱۳۷۶: ۳)

قیصر امین‌پور، شاعر معروف معاصر، اشعار زیبایی دارد که می‌توان یکی از بهترین نمونه‌های آن را در دفتر به قول پرستو مشاهده کرد:

خانه‌ای دارد میان ابرها
خشتی از الماس و خشتی از طلا
بر سر تختی نشسته با غرور
سیل و طوفان نعره توفنده‌اش
هیچ‌کس را در حضورش راه نیست
از خدا، در ذهنم این تصویر بود
راه افتادم به قصد یک سفر
خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا
گفت: اینجا، خانه‌ی خوب خداست!
گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند
با دل خود، گفتگویی تازه کرد ...
(امین‌پور، ۱۳۹۹: ۵۱۰)

پیش از اینها فکر می‌کردم خدا
مثل قصر پادشاه قصه‌ها
پایه‌های برجش از عاج و بلور
رعد و برق شب طنین خنده‌اش
هیچ کس از جای او آگاه نیست
پیش از اینها خاطرمد دلگیر بود
تا که یک شب دست در دست پدر
در میان راه، در یک روستا
زود پرسیدم: پدر! اینجا کجاست؟
گفت: اینجا می‌شود یک لحظه ماند
با وضویی دست و رویی تازه کرد

شعر رهایی

حکمت، معرفت، عدالت، بصیرت، فضیلت، کرامت، بردباری، معنویت، شرافت، متانت،
ادب و تربیت در شمار همین موضوعات هستند و آثار بزرگان ما سرشار از این مفاهیم
والای انسانی است؛ مفاهیمی که در جوامع انسانی به‌عنوان اهداف والا مطرح هستند و در
شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها نقش بسزایی دارند. هر کدام از موضوعات شعر رهایی، خود
به بخش‌ها و موضوعات کوچک‌تری تقسیم می‌شوند که در مجموع، عناصر تشکیل‌دهنده
انسانیت هستند و به خودسازی و رهیافت به‌سوی رستگاری منتهی خواهند شد؛ به بیانی
دیگر، اهمیت این نوع شعر در جنبه تربیتی و اجتماعی بودن آن است. بسیاری از قطعه‌های
اجتماعی که سرشار از اندرز و پند هستند، در این گروه قرار می‌گیرند. بهترین نمونه‌های
این نوع مقطعات را در سروده‌های پروین اعتصامی می‌توان یافت:

محتسب‌مستی به‌ره‌دید و گریبانش گرفت
مست گفت: ای دوست، این پیراهن است افسار نیست
گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی
گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست
گفت: می‌باید تو را تا خانه‌ی قاضی برم
گفت: روضیح‌آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست
گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم
گفت: تاداروغه را گوییم، در مسجد بخواب
گفت: دیناری بده پنهان و خود را واره‌ان
گفت: کارشروع، کار در هم و دینار نیست
گفت: از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون کنم
گفت: پوسیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست
گفت: آگه نیستی که ز سر در افتادت کلاه
گفت: ای بی‌پوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست
گفت: می‌بسیار خورده‌ای، زان چنین بی‌خود شدی

اشعار نبوی

یکی از اقسام مهم شعر آیینی، شعر نبوی است. در این گونه اشعار، شاعر می‌کوشد سیره پیامبران، از جمله پیامبر اکرم (ص) و معجزه ایشان، قرآن و داستان‌ها و اخبار مربوط به زندگی پیامبران و حوادث زمان ایشان و احادیث مربوط به نبوت را با قلم خویش به تصویر بکشد. در طول تاریخ ادب فارسی و به‌خصوص پس از سده چهارم هجری تأثیر قرآن به صورتی آشکار و غیرقابل انکار در آثار نظم و نثر مشاهده می‌شود. اوج این بهره‌گیری از متون قرآنی در قرن ششم هجری است. این پذیرش و انتشار به اعتقاد خود شاعر یا نویسنده نیز بستگی دارد و بین اعتقاد و پذیرش و انتشار آن رابطه مستقیمی برقرار است. آثار سعدی، حافظ، مولانا و سنایی آیینۀ تمام نمای آیات قرآن و وحی در ادبیات فارسی به شمار می‌آیند. این استفاده و بهره‌گیری از قرآن و به‌کارگیری آن در آثار متعدد فارسی تا قرن معاصر ادامه داشته و دارد.

از مشخصه‌های دیگر شعر آیینی، کاربرد اشارات قرآنی و احادیث است. اصولاً کمتر شاعری را می‌توان یافت که شعر او تجلی دهنده اعتقاداتش نباشد. شاعران مسلمان و کسانی که اعتقاد به دین اسلام داشته باشند، باورها و تفکرات خویش را در اثر خویش انعکاس می‌دهند. ایرانیان از آغاز شعر فارسی تاکنون در حوزه دینی این اصل را همواره در آثار خود به کار برده‌اند. شاعر مسلمان می‌کوشد که شعرش آیینه‌ای باشد تا متن و باطن اسلام را برای دیگران به‌خوبی نشان دهد.

قرآن و حدیث در طول بیش از هزار سال تاریخ ادبیات فارسی یکی از آبشخورهای اصلی شعر فارسی بوده است. شاعران عموماً مسلمان پارسی‌گوی مضامین و مفاهیم قرآن کریم و احادیث معصومین را در اشعار خویش به انحاء گوناگون به‌کار برده‌اند (چهرقانی و ذوالقدر، ۱۳۹۹: ۳۷۵).

پیشینه اثرپذیری شاعران از قرآن و حدیث به نیمه‌های قرن سوم می‌رسد، اما در این قرن و قرن چهارم این تجلی چندان گسترده نیست؛ زیرا مضمون شعر در این قرن‌ها بیشتر بر محور مدح و ستایش و عشق می‌چرخد که این بن‌مایه‌ها با قرآن و حدیث پیوند کم‌تری دارد، اما با گذشت زمان و نفوذ زبان عربی، تأثیر معارف اسلامی و پدیده‌های فرهنگی بر شاعران افزایش یافته و زمینه تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی گسترش می‌یابد و سرانجام در قرن‌های هفتم و هشتم و در شعر مولانا به اوج خود می‌رسد (سلامت باویل، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

سیروس شمیسا درباره کاربرد حدیث و قرآن در آثار پارسی این‌گونه می‌گوید:

استفاده از آیات و احادیث در نثر و نظم پارسی از قرن چهارم تا نیمه اول قرن پنجم در حدی که در رساندن معنای کلام مفید واقع شود، بوده و بعد از آن، از نیمه اول قرن پنجم به بعد با رواج زبان عربی، توجه به معارف اسلامی، تأسیس مدارس علمی و خانقاه‌ها موجب می‌شود، تغییراتی در نظم و نثر حاصل شود که یکی از بارزترین این تغییرات

استفاده از آیات و احادیث هم در حوزه معنایی و هم در جهت آراستن کلام در حدی متعارف و خالی از تکلف است (۱۳۸۲: ۷۷).

اشعار ولایی (علوی، فاطمی، عاشورایی و مهدوی)

ولایت از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های اسلام است و در قرآن مجید و روایات مستقیم و غیرمستقیم پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به ضرورت آن اشاره شده است و انکار آن، انکار آیات قرآنی است و توصیه رسول اکرم (ص) مبنی بر حفظ و پاسداری از قرآن و عترت (حدیث ثقلین) اهمیت آن را نشان می‌دهد. در دین مبین اسلام، اول و آخر و اصل هر شیء خداست و دیگر اصول و فروع اسلام به‌نوعی امتداد و مکمل آن است (رادمرد، ۱۳۹۴: ۲)؛ بنابراین هر شعری که به توصیف و اثبات ولایت بپردازد و بر ضرورت آن تأکید داشته باشد، شعری ولایی است. پربیراه نیست اگر شعر ولایی را شعر مذهبی نیز بخوانیم. از آغاز ورود اسلام به ایران تا به امروز، بسیاری از ادیبان و شاعران فارسی زبان، آثارشان را به موضوعات ولایی اختصاص داده‌اند.

شعر علوی

بارزترین مشخصه شعر و شاعر شیعی، عشق به حضرت علی (ع) است و بدون شک بسیاری از حوادث و جنگ‌های مهم تاریخی صدر اسلام و پس از آن و پیروزی‌های ناشی از آن‌ها، مدیون وجود حضرت علی (ع) است. ایشان به‌عنوان اولین امام و پیشوای شیعیان در شعر شاعران و در نوشته‌های نویسندگان به‌عنوان فردی مهم و مؤثر در بقا و انتقال آموزه‌های انسانی و دینی معرفی می‌شوند. آن حضرت همواره در طول تاریخ و در قرن معاصر نماد عدالت‌طلبی، ایثار، مدارا با دشمنان، بخشش، قناعت، مبارزه و مقاومت بوده‌اند؛ در واقع همه این ویژگی‌ها تعریف انسان شیعه مذهب است. جنگاوری ایشان یکی از جذاب‌ترین موضوعاتی است که شاعران در آن‌ها طبع آزمایی کرده‌اند. مشهورترین آن‌ها شرح جنگ آن حضرت با عمرو بن عبدود است که با گذشت سالیان هنوز هم در کتاب‌های درسی جایگاه خود را حفظ نموده است.

به جز بازوی دین و شیر خدا	که شد طالب رزم آن ازدها
شجاع غضنفر، وصی نبی	نهنگ یم قدرت حق، علی
بر مصطفی بهر رخصت دوید	از او خواست دستوری اما ندید
چنان دید بر روی دشمن ز خشم	که شد ساخته کارش از زهر چشم

(راجی کرمانی، ۱۳۸۳: ۲۱)

با این تفاسیر این‌گونه می‌توان گفت که شعر علوی، شعری است که بیانگر رویدادهای مهم زندگی حضرت علی (ع) و ویژگی‌ها و جایگاه ایشان است.

برترین نمونه اشعار علوی را می‌توان در آیینة اشعار سید محمدحسین بهجت تبریزی

جست‌وجو کرد. اوج توصیف زیبای او آنجاست که اعلام می‌دارد سرزمین جوانمردی را پادشاهی جز علی نیست.

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لا فتی را

(شهریار، ۱۳۷۶: ۶۸)

«شعر علوی پس از حکومت صفویان تا حدودی تحت الشعاع شعر عاشورایی قرار گرفت؛ اما با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، زمینه پرداختن هر چه بیشتر به شعر علوی فراهم شد» (پوریزدان‌پناه کرمانی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) می‌توان گفت ویژگی شعر علوی، لحن و آهنگی متناسب با موضوع مورد توصیف، یعنی شخصیت حضرت علی (ع) و درعین حال تأثر بر مخاطب است. اشعار علوی فقط به مدح و منقبت مولای متقیان نمی‌پردازد، بلکه می‌توان محتوای آن را به دو بخش مدایح و منقبت و مراثی تقسیم کرد. اگرچه با شنیدن نام اشعار علوی، ذهن به سراغ مدح و حماسه‌های ایشان می‌رود، اما شرح سختی‌ها و مصائبی که ایشان در طول زندگی خود تحمل نموده‌اند نیز بخش بزرگی از محتوای آثار ادیبان را شامل می‌شود. سید حمیدرضا برقعی، در آثار خویش، از زندگانی امام علی (ع) بهره می‌جوید و از این روش برای اثبات حقانیت ایشان استفاده می‌کند. چراکه

اشاره به حوادث تاریخی یکی از روش‌های شاعران در اثبات حقانیت امام (ع) است. ذکر رویدادهای مهمی مانند میلاد امام علی (ع) در خانه کعبه، ویرانی بت‌های کعبه توسط امام (ع) بعد از فتح مکه، رویداد لیلۃ المیّت و حادثه غدیرخم از این جمله‌اند (عبدی و نعمتی قزوینی، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

که مادری پسری بی‌بدیل می‌آورد	به سمت کعبه ملک هم دخیل می‌آورد
برای خلقت عالم دلیل می‌آورد	گشود لب به سخن کعبه، داشت بی‌پرده
به روی دوش محمّد، خلیل می‌آورد	خلیل با تبر آمد به بت‌کده، اما
و کعبه غرق کلیمی که نیل می‌آورد	ز اشک شوق، ملک زیر پاش دریا شد

(برقعی، ۱۳۹۱: ۴۲)

شعر فاطمی

شعر فاطمی شعری است که در آن، نام و یاد حضرت فاطمه (س) و فضایل ایشان و به‌خصوص مصیبت‌هایی که پس از پیامبر بر ایشان وارد گردیده است، بیان می‌شود. از حضرت فاطمه (س) در اشعار آیینی و مذهبی به‌عنوان دختری کامل برای پیامبر اسلام و همسری صبور برای حضرت علی (ع) یاد می‌شود. ذکر مصائب واردشده بر آن حضرت بخش بزرگی از ادبیات مذهبی و آیینی را تشکیل می‌دهد. توصیف بزرگی شخصیت ایشان و ستمی که بر ایشان روا شده است و دفاع از حضرت علی (ع) در طول حیات، مهم‌ترین جلوه‌های زندگی ایشان است که در آثار برقعی نمایان است. در مدح و منقبت حضرت فاطمه زهرا (س) بوده‌اند شاعرانی که دیوانشان به نام حضرت مزین گشته است. شاعرانی

نظیر مولانا در دفتر دوم مثنوی حضرت زهرا (س) را این گونه مدح کرده است:

فاطمه مدح است در حق زنان مرد را گویی بود زخم سنان
دست و پا در حق ما استایش است در حق پاک‌ی حق آرایش است
لم یلد لم یولد او را لایق است والد و مولود را او خالق است
(مولوی، ۱۳۹۷، د: ۲، ۵۸۲۱-۳)

ناصر خسرو قبادیانی نیز در مدح و ستایش حضرت زهرا (س) چنین گفته است:

آن روز در آن هول و فزع بر سر آن جمع پیش شهدا دست من و دامن زهرا
تا داد من از دشمنان اولاد پیامبر بدهد به تمام ایزد دادار تعالی
(ناصر خسرو، ۱۳۵۷: ۵۸)

سنایی، عارف بزرگ ایرانی نیز در دیوان خود بارها عشق خویش را به اهل بیت اعلام می‌دارد و ارادتش را در اشعارش بازگو می‌کند. ابیاتی در منقبت حضرت زهرا دارد:

سراسر جمله عالم پرزنان‌اند زنی چو فاطمه خیر النساء کو؟
(سنایی، ۱۳۷۶: ۵۷۱)

داد حق شیر این جهان همه را جز فطامش نداد فاطمه را
(همان: ۱۹۳)

شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) از موضوعات مهم و حائز اهمیت در میان شیعیان است؛ چراکه شیوه شهادت ایشان مظلومانه است و از این نظر مورد اختلاف اهل سنت است. بر اساس باور شیعیان، این بانو بر اثر ضربات و آسیب‌های جسمی وارد شده از طرف عمر بن خطاب به شهادت رسیده‌اند و در ایام فاطمیه به عزاداری برای فاطمه (س) می‌پردازند؛ در صورتی که اهل سنت معتقدند که حضرت به دلیل غم و اندوه ناشی از وفات و فراق پیامبر (ص) رحلت فرموده‌اند. ریشه اختلاف در موضوع شهادت فاطمه آن است که درگذشت این حضرت مدتی کوتاه پس از رحلت پدر بزرگوارشان و در کشاکش درگیری‌ها بر سر جانشینی حضرت محمد (ص) رخ داده است.

پس از آنکه گروهی از مهاجران و انصار در سقیفه بنی‌ساعده با ابوبکر بیعت کردند، گروهی از صحابه با توجه به سفارش‌های پیامبر به خلافت و جانشینی علی بن ابی‌طالب (ع)، از بیعت با ابوبکر امتناع کردند. به همین جهت به دستور ابوبکر، عمر بن خطاب به همراه عده‌ای دیگر برای بیعت گرفتن از علی، به در خانه او رفتند و عمر تهدید کرد که در صورت بیعت نکردن، خانه را با ساکنانش به آتش می‌کشد (طبری، ۱۳۸۷ق: ۲۰۲).

در بسیاری از منابع، دلیل سقط جنین حضرت فاطمه (س) نیز ضربه ناشی از فشار در توسط عمر بر حضرت عنوان شده است. در بسیاری از اشعار شاعران معاصر، زندگانی حضرت زهرا (س) و به خصوص شهادت ایشان، جایگاه ویژه‌ای دارد:

آنجا که به جز چادر او نیست گلیمی
می سوخت حریم دل مولا چه حریمی
جز فاطمه در قلب علی نیست مقیمی
پرپر شود آن لاله زخمی به نسیمی
(برقعی، ۱۳۹۱: ۳۴)

در خانه زهرا همه معراج نشینند
ای کاش در این بیت بسوزم که شنیدم
آتش مزین آتش در و دیوار دلش را
حالا نکند پنجره را وا بگذاریم

شعر رضوی

بارگاه امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، همچون نگینی بر تارک سرزمین ایران می درخشد. ایرانیان، پیوسته دلدادگی خویش را به این حضرت برافزوده‌اند. هر شخصی که به سرزمین خراسان سفر کرده و با این امام همام پیمان عشق و اطاعت بسته باشد، دل را در صحن و بارگاه ایشان جای می‌گذارد. همواره دلتنگ است. هر کس که از بازشدن گره‌ای در زندگی‌اش ناامید گردد و چاره‌ای نیابد، سوی دلدار خویش، امام رضا (ع) می‌شتابد و ایشان را واسطه‌ای برای یافتن راه و آرامش قرار می‌دهد. نویسندگان و شاعران بسیاری از عرب و فارس و دیگر سرزمین‌ها در نوشته‌های خویش از نام مبارک ایشان بهره برده‌اند و علاقه خویش را بیان نموده‌اند.

سؤال می‌کند از خود هنوز آهوایی
که بین دام و نگاهت کدام صیاد است؟
دل‌م که دست خودم نیست این دل غمگین
همان دلی است که جامانده در گهرشاد است
(برقعی، ۱۳۹۲: ۴۲)

شعر مهدوی

شیعیان معتقدند که با ظهور منجی و آخرین امام، جهان رنگ صلح می‌گیرد و عدالت در همه سرزمین‌ها برقرار خواهد شد. برقعی در دو بیت بالا به این اعتقاد و باور اشاره کرده و می‌گوید که فراق و هجران شیعه، روزی به پایان می‌رسد و روزگار حکومت حضرت مهدی (عج) فرا خواهد رسید تا همه چیز همان‌گونه شود که باید باشد.

سرایندگان شعر فارسی انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) را در مؤلفه‌های یگانگی ایشان در مقام صلح جهانی، ولایت تکوینی حضرت و تبیین رسالت‌های جهانی امام زمان (عج) ترسیم می‌کنند. دوران رسالت امام عصر نیز در شعر فارسی در قالب مبارزه بنیادی و فراگیر با بیداد و بیدادگران در عرصه جهانی، رویارویی تمام عیار با کفر جهانی و ایادی آن، برقراری نظام قسط و عدل واقعی در گستره جهان، تحقق جهان‌شمولی دین مقدس اسلام و احیای ارزش‌های دینی، برقراری حکومت جهانی اسلام و حاکمیت فرهنگ اصیل اسلامی، رسوایی داعیه‌داران دروغین مهدویت و تبیین زشتی و پلیدی دجالان روزگار تجلی می‌یابد (نیک‌پناه، ۱۳۹۴: ۴۴).

سید حمیدرضا برقعی یکی از شاعران معاصر آیینی است که مضامین اشعارش حاوی مطالبی با ارزش درباره معصومین بزرگوار است. اشعار مهدوی یکی از موضوعات مهم آثار

اوست که بسامد بالایی نیز دارد:

جمعه‌ها طبع من احساس تغزل دارد
بی تو چندی ست که در کار زمین حیرانم
شاید این باغچه ده قرن به استقبالت
جمکران نقطه امید جهان شد که در آن
یازده پله زمین رفت به سمت ملکوت
هیچ سنگی نشود سنگ صبورت، تنها
ناخودآگاه به سمت تو تمایل دارد
مانده‌ام بی تو چرا باغچه‌ام گل دارد؟
فرش گسترده و در دست گلایل دارد
هر چه دل، سمت خدا دست تو سل دارد
یک قدم مانده زمین شوق تکامل دارد
تکیه بر کعبه بزن، کعبه تحمل دارد ...
(برقی، ۱۳۹۲: ۱۸)

مرثیه

مرثیه یکی از انواع شعر آیینی به حساب می‌آید. بیشترین بخش اشعار ولایی پس از مدح و ستایش، اشعار مرثیه است. این نوع ادبی که به آن سوگ سرود نیز گفته می‌شود، از کهن‌ترین انواع ادبی به شمار می‌آید. در تعریف مرثیه این‌چنین آمده است:

رثا و مرثیه به شعری اطلاق می‌شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران، اظهار تأسف و تألم بر مرگ سلاطین و صدور اعیان و سران قوم و ذکر مصائب پیشوایان دین و ائمه اطهار (ع) مخصوصاً حضرت سیدالشهدا (ع) و شهدای کربلا (ع) و شمردن مناقب و فضایل و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخصی متوفی و بزرگ نشان دادن واقعه و تعظیم مصیبت و دعوت ماتم‌زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل سروده شده است (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۳۴).

تاریخ مرثیه و مرثیه‌سرایی در ایران به روزگاران کهن بازمی‌گردد. سید حسن سادات ناصری درباره سوگ سروده‌های کهن پارسی این‌گونه می‌نویسد:

سوگ سیاوش و مرگ زریز در اساطیر ایران سابقه‌ای بس قدیم دارد، چنان‌که سوگ سیاوشان به نام آهنگی مشهور از آن واقعه جانکاه یادگار است و یادگار زریران (ایانگاری زریران) که از آثار منظوم بازمانده پهلوی است و این هر دو به صورتی کامل در شاهنامه جاویدان حکیم ابوالقاسم فردوسی جزو حماسه ملی مردم ایران زمین آمده است (سادات ناصری، ۱۳۶۴: ۲۲).

در مورد اولین مرثیه‌های فارسی این‌گونه آمده است: «مرثیه در ادب فارسی سابقه‌ای دیرین دارد، نخستین مرثیه‌هایی که به‌جامانده، اشعاری از رودکی سمرقندی در رثای شاعران هم‌عصر خویش مثل ابوالحسن مرادی بخارایی و شهید بلخی است» (مردانی، ۱۳۸۱: ۴۷ و ۴۶). بسیاری از سوگ سرودها در ایران ریشه دینی دارند و کمتر از ۴ قرن است که رواج پیدا کرده است. این نوع مرثیه‌ها اختصاص به شیعیان دارند و قدیم‌ترین آن‌ها را باید در اشعار سیف فرغانی جست.

جنبه‌های هنری مرثیه، به‌دلیل برشمردن صفات و مناقب شخصیتی که شعر در رثای وی سروده شده است در جهت برانگیختن هرچه بیشتر عواطف و احساسات، بیشتر از مدح

است. رودکی و خاقانی در سوگ خویشان و فرزندان خویش و حکیم ابوالقاسم فردوسی در حماسه خویش مرثیه‌سرایی کرده‌اند.

کاروان شهید رفت از پیش
از شمار دو چشم یک تن کم
و آن ما رفته گیر و می‌اندیش
وز شمار خرد هزاران بیش
(رودکی، ۱۳۷۶: ۳۲۵)

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید
دانه‌دانه گهر اشک ببارید چنانک
ژاله صبحدم از نرگس تر بگشایید
گره رشته تسبیح ز سر بگشایید
(خاقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۸)

مگر بهره برگیرم از پند خویش
مرا بود نوبت برفت آن جوان
براندیشم از مرگ فرزند خویش
ز دردش منم چون بی تن روان
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۸)

مراثی در دوران معاصر، به تعاریف یادشده محدود نمی‌شود. سه رخداد مهم در ایران، زمینه را برای بروز مضامین جدید در آثار نویسندگان و شاعران فراهم آورد و باعث شد که مرثیه‌ها از حالت سنتی خویش رها شود و نقش اجتماعی آن نمود بیشتری پیدا کند. به‌گونه‌ای که

شاعر دوره معاصر در سرودن رثا از من فردی به من اجتماعی نیز پرداخت. زیرا شاعر در سوگ از دست دادن شخص یا چیزی است که با وی پیوند فکری یا اجتماعی دارد. بنابراین در دوره معاصر با توجه به تحولات یادشده، سوگ‌سرایی به‌عنوان یک نوع ادبی از معنای لغوی خود فراتر رفته (شمیسا، ۱۳۹۸: ۲).

و بستری برای مطرح کردن آلام اجتماعی به کار می‌رود. همراه شدن شاعر با اجتماع و همدردی وی با مردم از جمله موضوعاتی است که در مرثیه‌های امروز جلوه‌گری می‌کند. ایجاد پیوند عمیق میان قیام عاشورا، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، از جمله مضامین مراثی شاعر آیینی معاصر است. قیصر امین‌پور، علیرضا قزوه و سید حسن حسینی از شاعرانی هستند که با بهره‌گیری از تحولات جنگ هشت‌ساله، مراثی مختلفی در رثای شهیدان سروده‌اند. دفتر تنفس صبح قیصر امین‌پور سرشار از مضامینی است که در رثای شهیدان سروده شده است:

آن روز
بگشوده بال و پر
با سر به سوی وادی خون رفتی
گفتی:

«دیگر به خانه باز نمی‌گردم
امروز من به پای خودم رفتم
فردا

شاید مرا به شهر بیارند
بر روی دست‌ها
اما حتی تو را به شهر نیاوردند
گفتند: چیزی از او به جای نمانده است
جز راه ناتمام»
(امین پور، ۱۳۹۹: ۳۶۹)

عاشورا

از مضامین مرثیه و از مؤلفه‌های مهم شعر آیینی، مرثیه عاشوراست. این رویداد، به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین واقعه پس از اسلام، در تعیین و جابه‌جایی مرزهای ادبی، فرهنگی و هنری نقشی بی‌بدیل ایفا کرده است. پس از نهضت عاشورا، اهل ادب، شاعران و نویسندگان این اتفاق را مرجع آثار خود قرار دادند و برای آفرینش‌های خویش از آن وام گرفتند تا جایی که محمدرضا سنگری، از آن به‌عنوان کتاب جامع عشق، عزت اسلام و فرهنگ‌نامه‌ای به همه آنانی که در جستجوی مفهوم صریح و مجسم واژه‌های سخاوت و صدق و صفا و حریت و عزت‌اند، یاد می‌کند (سنگری، ۱۳۷۰: ۳۶). شعر عاشورایی به‌عنوان یکی از عناصر ادبی، مطالبی ارزشمند دارد که شامل حقایق و اتفاقاتی می‌شود که هدف آن آگاهی و انسان‌سازی است. «شعر عاشورایی، به سروده‌هایی اطلاق می‌شود که به حادثه عظیم عاشورای سال ۶۱ هجری و رویدادهای پیوسته به آن می‌پردازد. در این‌گونه سروده‌ها، سوگ، حماسه، عظمت، اخلاق و ابعاد گوناگون این نهضت خونین تصویر و ترسیم می‌شود» (آهمه، ۱۳۹۵: ۱۲۹)

بی‌گمان مرثیه‌سرایی در باب عاشورا با زبان عربی آغاز شده است و با توجه به اینکه شعر با عرب همزادی و همراهی آشکاری دارد، آغاز سرایش نباید بافاصله‌ی چندانی پس از واقعه‌ی عاشورا باشد و حتی اگر رجزهای اصحاب را از نوع شعر عاشورایی بدانیم؛ شعر عاشورا با حادثه عاشورا دقیقاً همزاد است (کافی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

اما شاید بتوان گفت بازتاب عاشورا و حوادث و ابعاد آن در زبان فارسی با سوگ‌سروده‌های ابوالحسن مجدالدین کسایی مروزی در قرن ۴ هجری به ثبت رسیده است. تاکنون جلوه‌های این واقعه به صورت‌های گوناگون در ادوار مختلف در شعر شاعران فارسی‌زبان دیده شده است. در ایران اسلامی، عاشورا به‌عنوان نقطه عطفی به الگویی مناسب در قیام‌ها علیه استبداد تبدیل شد. انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به‌عنوان دو رویداد مهم و تأثیرگذار که پیامدهای گوناگونی داشته است با نهضت عاشورا پیوندی عمیق و ناگسستنی دارد؛ چراکه اساس انقلاب اسلامی بر قیام عاشورا بنا نهاده شده است..

شب آخر هنوز یادم هست
خیمه تاریک شد و این یعنی
خیمه زد عطر سیب در سنگر
روضه‌خوان گفت از شب آخر
(برقی، ۱۳۹۰: ۵۳)

ادبیات پایداری

با توجه به گستره موضوعی و محتوایی شعر آیینی، یکی از اساسی‌ترین موارد مورد تأمل در این حوزه، ادبیات و به‌خصوص شعر پایداری در قرن معاصر است. محمدرضا سنگری ادبیات پایداری را اینگونه معرفی می‌کند:

معمولاً به آثار اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی یا پایگاه‌های قدرت، غضب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرند. بنابراین جان مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (۱۳۸۳: ۳۹).

اگر بخواهیم شعر پایداری را مقاومت در برابر هرگونه استبداد بدانیم، بیشترین نمود و جلوه آن را در دوران معاصر می‌بینیم. شعر مقاومت در ایران معاصر شامل چند مرحله است: مرحله نخست آن، دوره مشروطیت است و شاعرانی چون ادیب‌الممالک، بهار، عارف، نسیم شمال، فرخی یزدی، لاهوتی، دهخدا، عشقی و... در این زمینه تلاش‌های فراوانی کردند. مرحله دوم مربوط به دوره پهلوی است و در اشکال گوناگون ادبیات مذهبی، کارگری، حماسی و سمبولیک بروز کرده و شاعرانی مانند سیاوش کسرایی، هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری، شفیعی کدکنی، نعمت میرزازاده و طاهره صفارزاده در این دسته‌اند. مرحله سوم دوره بعد از انقلاب اسلامی ایران است و بخش عظیمی از آن مربوط به دوران دفاع مقدس بوده و کسانی چون حمید سبزواری، علی معلم و... در این دسته قرار می‌گیرند (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۸). آری پور معتقد است ادبیات پایداری در معنای نوین آن، از عصر مشروطه و جنگ جهانی اول با تأثیر از گرایش‌های ملی و میهنی به وجود آمد. (۱۳۷۵: ۱۲۷)، اما خارج از این سه دوره و موضوعات و وقایع مربوط به آن‌ها، مقاومت فلسطین و لبنان در برابر رژیم اشغالگر قدس، یکی از موضوعاتی است که الگوی بسیاری از شاعران فارسی‌زبان ایرانی و غیرایرانی در سروده‌ها و مضامین اشعارشان است؛ چراکه در شعر مقاومت و پایداری، سخن از عشق به وطن، دفاع از آن، مقاومت در برابر استبداد و بیگانه، دفاع از حق مظلوم، آزادگی و آزادی‌خواهی است و این مفاهیم در میان تمامی ملت‌ها از جمله جوامع اسلامی، مشترک است. شاعرانی چون حمید سبزواری و علی موسوی گرمارودی از جمله شاعرانی هستند که در آثارشان، موضوع فلسطین و لبنان و مقاومت آنان در برابر اسرائیل دیده می‌شود.

اگر بخواهیم آثار پدید آمده در ادبیات پایداری را از نظر بسامد در دوره‌های مختلف در کشور ایران مقایسه کنیم، می‌توانیم جنگ هشت ساله دفاع مقدس را دوره‌ای پربار از لحاظ دربردارندگی محتوایی نام ببریم. دفاع مقدس از آغاز تا واپسین روزها و پس از

آن، سرشار از لحظاتی است که انسان‌های آزاده در راه وطن و اسلام، دلیرانه جان بر کف نهند و به پیکار با دشمن پرداختند. از این دوران می‌توان به‌عنوان مکتبی یاد کرد که پایداری و مقاومت را در لحظات سخت و پیچیده به انسان متمدن عصر امروز می‌آموزد و یادآور می‌شود. منبع الهام بسیاری از ادیبان، شاعران و نویسندگان معاصر، این جنگ و آثار آن است. کسانی چون شهید مرتضی آوینی این لحظات را ثبت و ضبط کرده و با ادبیات بی‌نظیر خویش آن را در یادها جاودانه ساختند. شاعرانی چون قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، احمد عزیزی، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی و سپیده‌کاشانی از شاعرانی هستند که در وصف دفاع مقدس اشعاری سروده‌اند و در این زمینه در میان مخاطبان، مشهور هستند. در ادبیات پایداری تفاوت‌هایی نسبت به سایر گونه‌های ادبی دیده می‌شود. یکی از تفاوت‌ها این است که شاعر یا نویسنده از انسان‌های عادی به‌عنوان قهرمان این نوع، یاد می‌کنند. دومین شاخصه ادبیات پایداری، استفاده از نمادها برای بیان ظلم‌ها، ستم‌ها و مبارزه در مقابل آن‌هاست. ضحاک در شاهنامه نمادی از خوی بد و زشتی و پلیدی است. در بسیاری از متون نظم و نثر معاصر می‌بینیم که شخصیتی شیطان‌صفت را، که اصولاً از میان حاکمان زمانه است، ضحاک زمان معرفی کرده‌اند.

دفتر گریه را می‌کشایم
من زمین‌خورده انزوایم
مانده بر ابرها جای پایم
بس که در حسرت لاله‌هایم
(برقی، ۱۳۹۸: ۵۸)

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی پیشینه و سابقه ادب و شعر آیینی، مبرهن است که همه آیین‌ها با توجه به اعتقادات و فرهنگ یک قوم بنا نهاده می‌شوند؛ چراکه آیین، همان رسومی است که در طول تاریخ یک ملت شکل گرفته و با گذشت زمان تکرار می‌گردد و گاه تغییر پیدا می‌کند. آیین‌ها در سرزمین ایران، پس از ورود اسلام به ایران شکل گسترده‌تری می‌یابند و رنگ و بوی دینی آن‌ها بیش از پیش احساس می‌گردد و اساساً ادبیات دینی و آیینی یک معنا پیدا می‌کنند و به‌گونه‌ای مکمل یکدیگر می‌شوند. در دوره مشروطه بسامد حضور این نوع کم‌رنگ‌تر می‌شود، اما با آغاز انقلاب اسلامی و پیدایش رویدادهای اجتماعی، عاشورای حسینی و الگوگیری از قرآن، در بیشتر آثار ادبی جلوه‌گر می‌شود و اساس کار قرار می‌گیرد.

قلمرو و ساحت شعر آیینی بسیار گسترده است و تفکیک عناصر آن به‌دلیل پیوند عمیق با یکدیگر دشوار است، اما با دیدی کلی می‌توان آن را به دسته‌های شعر توحیدی، ماورایی، رهایی، ولایی و ادبیات پایداری تقسیم کرد. بهترین نمونه‌های اشعار توحیدی و رهایی، بیشتر در اشعار شاعران کهن دیده می‌شود.

کتابنامه

- آرین پور، یحیی. (۱۳۸۲). *از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)*. جلد سوم. تهران: انتشارات زوآره.
- آهمه، ماهرخ. (۱۳۹۵). «ادبیات عاشورایی، سیر تحول و تکامل آن در ادب فارسی». معارف حسینی. ش ۳. صص ۱۲۹-۱۴۷.
- امین پور، قیصر. (۱۳۹۹). *مجموعه کامل اشعار (دستور زبان عشق، گلها همه آفتابگردانند، آینه‌های ناگهان، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو، منظومه ظهر روز دهم)*. تهران: انتشارات مروارید.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۱). *دیوان اشعار با مقدمه ملک‌الشعرا بهار*. به کوشش حسن احمدی گیوی. تهران: قطره.
- امامی، نصرالله. (۱۳۶۹). *مرثیه‌سرایی در ایران*. اهواز: جهاد دانشگاهی.
- بهداروند، محمد مهدی. (۱۳۸۰). «ویژگی ادبیات دینی». *کیهان فرهنگی*. ش ۱۷۷. صص ۹-۱۳.
- برقعی، سید حمیدرضا. (۱۳۹۳). *قبله مایل به تو*. تهران: فصل پنجم.
- برقعی، سید حمیدرضا. (۱۳۹۲). *طوفان واژه‌ها*. تهران: فصل پنجم.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات پیش از اسلام به کوشش ژاله آموزگار*. تهران: سخن.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۳). *شریعت در آینه معرفت*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- چهرقانی، رضا و ذوالقدر، محبوبه. (۱۳۹۹). «جلوه‌های تأثیر قرآن و حدیث در شعر معاصر ایران». *دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. صص ۳۷۵-۳۸۸.
- حیبی، علیرضا و حسن‌زاده میرعلی عبدالله. (۱۴۰۰). «جامعه‌شناسی شعر آیینی در ایران؛ مطالعه موردی: شعر معاصر فارسی چهار دهه اخیر، ادبیات و زبان‌ها». *بهار ادب*. ش ۶۴. صص ۲-۱۶.
- حجاجی کهجوق، عزیز. (۱۴۰۰). *قصص الشعرا*. تهران: آیدین.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی. (۱۳۸۶). *دیوان اشعار*. به تصحیح ضیاء‌الدین سجادی. تهران: زوار.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). «آیین» *در لغت‌نامه*. ج ۱. زیر نظر جعفر شهیدی و محمد معین. تهران: روزنه.
- راجی کرمانی، بمانعلی. (۱۳۸۳). *حملة حیدری*. ج ۱. مقدمه یحیی طالبیان و محمود مدبری، کرمان.

رادمرد، صدیقه. (۱۳۹۴). «بررسی بازتاب بعضی اوصاف ولایی امام رضا (ع) در شعر شهریار». مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی. دانشگاه محقق اردبیلی.

رودکی سمرقندی، ابو عبدالله جعفر بن محمد. (۱۳۷۶). *دیوان اشعار*. تهران: نگاه. زیلابی، عزیز و همکاران. (۱۴۰۱). «تحلیل سبک‌شناسی اشعار آیینی شاعران پس از انقلاب». *سبک‌شناسی نظم و نثر پارسی*. د ۱۵، شماره پیاپی ۷۳. صص ۲۳-۴۳. سادات ناصری، سید حسن. (۱۳۶۴). «به آیین‌ترین مرثیه». *کیهان فرهنگی*. ش ۱۹. صص ۲۲-۲۷.

سعدی، مصلح الدین. (۱۳۴۲). *غزلیات*. به کوشش محمدعلی فروغی. تهران: اقبال. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن آدم. (۱۳۸۱). *دیوان اشعار* به قلم بدیع‌الزمان فروزان‌فر. تهران: نگاه.

سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). «ادبیات پایداری». *فصلنامه شعر*. ش ۳۹. صص ۴۵-۵۴. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاهنامه فردوسی*. به کوشش جلال خالقی مطلق. دفتر اول. نیویورک: نشر Bibliotheca persica.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). *کلیات سبک‌شناسی*. تهران: میترا. شمیسا، سیروس؛ قلعه قبادی، داریوش؛ مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۸). «بررسی و مقایسه مرثیه سه نسل از شاعران معاصر». *بهار ادب*. س ۱۲. ش ۲. صص ۱۸۹-۲۰۸. شهریار، محمدحسین. (۱۳۷۶). *دیوان اشعار*. نگاه: تهران.

عبدی، رضا و نعمتی قزوینی، معصومه. (۱۳۹۷). «غدیر از منظر شعر آیینی عراق». *پژوهشنامه علوی*. س ۹. ش ۲. صص ۱۴۲-۱۲۰.

قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۵۷). *دیوان اشعار*. به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: انتشارت موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا.

کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۸۷). «شعر مذهبی بایدها و نبایدها». *شعر*. ش ۶۳. صص ۸-۱۱. کزازی، میر جلال. (۱۳۶۱). *جستارهایی در فرهنگ و ادب ایرانیان*. تهران: مرکز مؤتمن، زین‌العابدین. (۱۳۶۴). *شعر و ادب پارسی*. تهران: زرین.

مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۹۴). «تأملی بر شعر آیینی». *میرداماد*. صص ۷۵-۸۱. مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *سیری در قلمرو شعر نبوی*. تهران: معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (ع).

مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۸۶). «کیان شعر آیینی در زبان فارسی». نشریه زبان و ادبیات. ش ۵۳. صص ۴۲-۵۳.

محمدپور، اسماعیل. (۱۳۸۷). «بر موج آهو». شعر. ش ۶۳. صص ۴۲-۴۵.

مرادی، کبری. (۱۳۹۱). «این غزل گریه‌ها که می‌بینی». امامت پژوهی. ش ۵. صص ۲۰-۴۹.

مردانی، فیروز. (۱۳۸۱). «مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی». کیهان فرهنگی. ش ۱۹۷. صص ۴۶-۴۹.

مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۹۷). مثنوی معنوی. به کوشش کریم زمانی. دفتر دوم. تهران: اطلاعات.

نظامی، ابو محمد یوسف. (۱۳۷۶). مخزن‌الاسرار با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: نشر قطره.